



ماهیت عقل و جهل

گردآوری و تألیف: حامد کشاورز مقدم

www.ketab.ir



سرشناسه	کشاورز مقدم، حامد، ۱۳۷۷-
عنوان قراردادی	احادیث خاص (جنود عقل و جهل) شرح
عنوان و نام پدیدآور	ماهیت عقل و جهل / گردآوری و تالیف حامد کشاورز مقدم
مشخصات نشر	تهران: موسسه آموزشی تالیفی ارشدان، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	۲۱۸ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۰۰۸-۲۷۶۱-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیا
یادداشت	کتابنامه.
موضوع	احادیث خاص (جنود عقل و جهل) -- نقد و تفسیر
	Hadiths, Special (Janud Aql wa Jahl). Commentaries
رده بندی کنگره	BP۱۴۵
رده بندی دهخدا	۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابخانه ملی	۸۷۸۴۸۸۷
اطلاعات رکورد کتابخانه ملی	فیا

www.ketab.ir ارشدان

مؤسسه آموزشی تالیفی ارشدان

ماهیت عقل و جهل	■ نام کتاب:
حامد کشاورز مقدم	■ گردآوری و تالیف:
آموزشی تالیفی ارشدان	■ ناشر:
اول	■ ویرایش:
اول ۱۴۰۱	■ نوبت چاپ:
www.iranypist.com	■ طراح و گرافیت:
۹۷۸-۶۲۲-۰۰۸-۲۷۶۱-۰۰	■ شابک:
۱۰۰۰	■ شمارگان:
www.arshadan.com	■ مرکز خرید آنلاین:
www.arshadan.net	■ مرکز بخل و توزیع:
۰۲۱۴۷۶۲۵۵۰۰	■ قیمت:
۶۵۰۰۰ تومان	



فهرست مطالب

فصل اول: آشنایی با متن حدیث عقل و جهل.....	۱۶
متن حدیث عقل و جهل.....	۱۷
فصل دوم: ماهیت عقل.....	۲۴
ماهیت عقل.....	۲۵
اقسام قوه در انسان.....	۲۷
عقل مطبوع.....	۳۲
عقل مسموع.....	۳۲
تعریف وسواس.....	۳۴
سنجش آدم جاهل.....	۳۸
رفتار مؤمن.....	۴۲

۴۴	فصل سوم: خیر و ضد آن شر.....
۴۵	تعریف خیر و شر.....
۴۸	خیر و شری که قبل از آخرت معلوم می‌شود.....
۴۹	اقسام نقص.....
۵۰	گیرنده‌های قلب.....
۵۳	نوع شر در زندگی ما.....
۵۶	هدف شیطان.....
۵۶	عوامل عاقبت به خیری.....
۵۸	موانع خیر.....
۵۹	فصل چهارم: ایمان و ضد آن کفر.....
۶۰	معنی ایمان.....
۶۲	ثابت شدن حقیقت.....
۶۳	معنی کفر.....
۶۴	مراحل ایمان.....
۶۵	مراتب ایمان از دیدگاه امام علی.....
۶۷	نتیجه عبادت بدون اخلاص.....
۷۳	فصل پنجم: تصدیق و جحود.....
۷۴	معنی لغوی و اصطلاحی جحود و تصدیق.....
۷۵	راه درست شدن ما.....
۷۷	راه‌های تصدیق درست حق.....
۷۸	علم نافع.....

۸۰ موارد عمل صالح

۸۰ راه برگشت به فطرت اولیه

۸۲ خود خواهی در عبادت

۸۳ معنب تمایلات

۸۴ عاقبت غرور و خود بینی

۸۶ آثار خود رأیی

۸۷ نشانه‌های فرد خود رأی

۸۸ اعمال غالبیه

۹۱ فصل ششم: رجا و قنوط

۹۲ رجا و قنوط

۹۵ فرق غرور با رجا

۹۶ روانشناسی اهل غرور

۹۷ خوف و قنوط در یأس

۱۰۰ مراتب خوف

۱۰۴ فصل هفتم: عدل و ضد آن جور و نادانی

۱۰۵ معنی عدل

۱۰۷ فرق عدالت با مساوات

۱۰۷ معنی جور

۱۱۳ راه دوری از گناهان

فصل هشتم: رضایت و ضد آن نارضایتی.....	۱۱۵
معنی رضایت.....	۱۱۶
مقام رضا.....	۱۱۷
مراتب رضا.....	۱۲۱
فلسفه دعا.....	۱۲۳
مصیبت‌هایی که برای ماست از کجاست؟.....	۱۲۳
مبادی مقام رضا.....	۱۲۴
مقام مشاهده.....	۱۲۶
فصل نهم: شکر و ضد آن ناشکری.....	۱۲۹
معنی شکر.....	۱۳۰
چه کسانی در کفران نعمت هستند؟.....	۱۳۰
کفران نعمت.....	۱۳۳
راه‌های شکر نعمت و مجاری نعمت.....	۱۳۵
برنامه شکر گذاری.....	۱۳۶
فصل دهم: طمع و یأس.....	۱۳۷
معنی طمع و تفاوت با رجا.....	۱۳۸
کدام طمع را از بین ببریم و کدام را رشد بدهیم.....	۱۳۹
یأس.....	۱۴۱
راه طمع به خدا.....	۱۴۱
ثمره طمع در خدا.....	۱۴۳

مقدمه

درود و سلام خداوند به ارواح پاک پیامبران و شهدا و سلام و صلوات خداوند بر مرجع بزرگ شیعیان جهان رهبر انقلاب امام خامنه ای و سربازان اسلام. حدیث جنود عقل و جهل یکی از بهترین احادیثی است که در انسان سازی و خودسازی نقش بسیار مهمی دارد که خواندن و عمل کردن به آن می تواند گفتا که بر هر کسی واجب است. در این حدیث عقل ۷۵ لشکر دارد و جهل ۷۵ لشکر. که ما باید هر کدام را در جای خود قرار دهیم به گونه ای که لشکر عقل را تقویت کنیم و لشکرهای جهل را در خود از بین ببریم. اگر ما همه اعمالمان بر اساس عقل انجام بدهیم قطعاً از راه مستقیم منحرف نمی شویم. اما اگر جنود جهل در ما لانه کرد تا آخر عمر در انحراف و افراط و تفریط به سر خواهیم برد. لذا حادثه کربلا نبرد عقل و جهل بود. امام حسین با حادثه کربلا برای ما حق و باطل را برای همیشه جدا کرد. پس اگر می خواهیم در مسئله ای یا میز مذاکره ای یا بحث های درون خانوادگی نظریه بدهیم اول نگاه کنیم که حق در کجاست. به کربلا نگاه کنیم نه اینکه بیخیال و ساکت باشیم تا بعضی از افراد با حرف های نادرست شان جامعه را به سوی خود بکشند. اگر بیخیال باشیم حتی اگر آدم خوب با ایمان و متدین باشیم خداوند عذاب نازل می کند آن عذاب شامل همه خواهد بود نه فقط منحرفان. چون ما می توانستیم حق را بگوییم اما ترسیدیم و برای خدا کاری نکردیم و هرچه دل خودمان گفت عمل کردیم. اگر می بینیم که کسی حرف حق را نمی زند باید به او تذکر بدهیم

ما ذاتاً حق طلب هستیم اما وقتی بزرگ تر می شویم این خصوصیت در ما کم رنگ تر می شود و مادر این حالت باید به فطرت اولیه خود برگردیم، در همه کارها باید به خدا توکل کنیم و نگران نباشیم که روزی می رسد یا نه چون خداوند در همه حال به فکر روزی بندگان است، هیچ جنبنده ای نیست مگر روزی به او برسد، چشمان پیش دست کمک دیگران نباشد و خودمان تلاش کنیم و در روز زندگی روزمره خود از اینکه مردم چه حرف هایی می زنند بی اعتنا باشیم کاری نداشته باشیم که مردم در مورد ما چه فکری می کنند چون مردم همه حرف می زنند، تا زمانی که طبق میلشان حرف می زنیم محکم پشت ما هستند اما همین که حرف را برخلاف میلشان می زنیم حرفشان دوتا می شود و پشت ما را خالی می کنند، پس نباید خود را دلگرم حرف مردم بکنیم، یکی از دلایلی که باعث می شود نظم درونی خانواده ها به هم بریزد همین حرف مردم است و حتی در مواردی به دعاوهای بزرگ و جدایی منجر می شود. یکی از رذایل اخلاقی دیگر که باید از خود دور کنیم مقایسه کردن است، اولین کسی که مقایسه کرد ابلیس بود، سعی کنیم در زندگی خود بهترین باشیم و زندگی باطنی خود را با ظاهر زندگی مردم مقایسه نکنیم، بلکه اگر مقایسه با سیره اهل بیت باشد خوب است و از روش و سیره پیامبر و اهل بیت بهره ببریم زندگی خوب با آرامش و آسایش داشته باشیم مشکلی ندارد، اما اگر زندگی خود را با همسایه و فامیل مقایسه کنیم این نوع مقایسه منجر به تنش می شود که چرا فلان دانش آموز دارد کار می کند پسر من بیکار است یا فلان دانش آموز دختر نه گوشی دارد و همیشه درس می خواند و تمام نمراتش هم ۲۰ می شود و تمام کارهای خانه را انجام می دهد. مگر یک دختر چقدر توان دارد این همه کار را انجام بدهد بعضی از توقعات ما بیجاست چون توقع داریم همه طبق میل ما باشند هر چه ما گفتیم عمل

کنند انتظار داریم یک دختر فقط برای کار کردن به دنیا آمده و نباید از تکنولوژی روز دنیا بهره ببرد، همین مسائل باعث می شود که یک دختر در سن کم دست به خودکشی بزند و همیشه خودش را گوشه گیر و حتی در اتاق حبس کند و همین باعث می شود از زندگی خسته شود آن هم به خاطر اینکه ما از روی عقل حرف نمی زنیم و دوست داریم همه طوری باشند که ما می خواهیم با این صورت ما با رفتارهای خود آینده فرزندانمان را به مرور زمان از بین می بریم آن هم به خاطر بی عقلی که داریم. انتظار داریم یک دختر فقط باید در خانه کار کند ظرف بشوید کارهای خانه را انجام بدهد و همه حرفا و طعنه ها و کنایه ها بشنود بعد هم اگر موفق نشد از او ایراد بگیریم. آیا سیره اهل بیت اینگونه بود؟ آیا باید طبق میل و دل خود هر کاری که دستور داده عمل کنند؟ در تربیت فرزندان، فرزندان طبق حرفی که با آنها می زنیم عمل نمی کند اگر ما یک حرف خوبی برای تربیت به فرزند بزنیم و خودمان به آن عمل نکنیم هیچ تاثیری ندارد. ما هر طوری که رفتار کنیم فرزند یاد می گیرد، اگر رفتارمان خوب بود تربیت خوب است و اگر رفتارمان بد بود انتظار تربیت خوب نداشته باشیم، اگر عصبانی هستیم با خشم حرف می زنیم یا از کوره در می رویم او هم از ما یاد می گیرد. می توانیم با انجام ندادن این صفت های بد تربیت خوبی برای فرزندانمان رقم بزنیم. اگر بتوانیم خشم و غضب و تعادل خود را حفظ کنیم یقیناً فرزندانمان از ما تقلید می کند و با یک تربیت علوی و درست بزرگ می شود و در آخر سطح انتظارات را از فرزندان خود پایین بیاوریم و آنها را با پسران و دختران مردم و همسایه اصلاً مقایسه نکنیم چون فرزندان مادر بهترین حالت خودشان هستند، هیچ وقت بچه مردم را از فرزند خود بالاتر نبینیم هدف از نوشتن این کتاب این است که ما به خودمان تذکر بدهیم و جنود جهل را از بین ببریم و جنود عقل را رشد بدهیم.